

شماره: ۴

جزوه مطالعاتی

قرارگاه شهیدباقری

چرا امام گفت

«جمهوری» اسلامی؟!!

گفتاری از وحید جلیلی پیرامون اهمیت جمهوریت در
نظام اسلامی ، مزایا و ظرفیت های آن



چرا امام گفت «جمهوری اسلامی»؟!

بخش اول

حزب الهی‌ها و مهوریتِ جمهوریت نظام

با اینکه نظامی که ولایت فقیه در رأس آن است، «جمهوری اسلامی» است، اما شاید یک صدم دغدغه، همت و تلاشی که برای تبیین ولایت وجود دارد برای تبیین جمهوریت نظام، تعاریف، ابعاد و ظرفیت‌های آن وجود ندارد. اما چرا جمهوریت نظام، به معنای رجوع منظم و مداوم به آرای مردم در اداره جامعه، چندان جایگاهی در مباحث نظری و گفتمانی ما پیدا نمی‌کند؟ به نظر می‌رسد چند علت نیروهای حزب الهی را از ورود به نظریه پردازی پیرامون جمهوریت نظام باز می‌دارد:

❦ قرائت غلط از تئوری ولایت فقیه

یکی از دلایل؛ کج فهمی و تعصب‌های بی‌منطقی است که راجع به مفهوم ولایت فقیه در بین حزب الهی‌ها رواج داده می‌شود. گویی اگر جمهوریت تبیین شود، جای ولایت فقیه را تنگ می‌کند! این بینش غلط که با قیافه‌های حق به جانب ترویج می‌شود، یکی از علل کم کاری ما در این حوزه است. در این بینش ولایت چنان مفهوم ضیق و متصلبی است که امکان تعاملش با هیچ مفهوم دیگری وجود ندارد و امتیاز ولایت فقیه در این است که در خودش تمام می‌شود. گویا امکان تعامل با هیچ نظریه دیگر یا جذب هیچ ساز و کار و ابزار دیگری را در خود ندارد.

از این منظر «ولایت» و «جمهوریت» نسبتی نمی‌توانند با هم داشته باشند و کنار هم نشان دادن شان توسط امام در «جمهوری اسلامی» فرمالیته یا از روی اضطرار یا برای دوره گذار بوده است. وظیفه ما هم این است که این دوره گذار را تسریع کنیم و هرچه زودتر امکان و زمینه لازم برای راحت شدن نظام از شر جمهوریت را فراهم بیاوریم! یا لااقل به تبیین و تثبیتش کمکی نکنیم.

❁ بزرگ نمایی اشکالات ساز و کارهای جمهوری

دلیل دیگری که جمهوریت را از چشم ما می اندازد، بزرگ کردن برخی پیامدهای نامطلوب احتمالی ساز و کارهای جمهوری است. می گویند این قدر از جمهوری حرف نزنید، اگر جمهوری را زیاد تحویل بگیرید در روزی که مردم به آن چیزی که شما خواستید رأی ندادند شما مجبور می شوید آن را تأیید کنید. مگر رأی مردم می تواند نشانه حقانیت باشد؟! اگر مردم رأی دادند که «خدا نیست» باید به رأی مردم گردن بگذاریم؟!

جدا از مغالطه‌ای که در این شبهه هست (و در خود غرب هم هیچ گاه اکثریت مبنای حقیقت نیست و برای گزاره‌های اینچنینی انتخابات و رأی گیری ندارند) وقتی دقیق نگاه می کنیم حزب الهی‌ها را در مواجهه با جمهوریت از ترس مرگ، وادار به خودکشی می کنند. یعنی اینکه هم پول می دهند، هم چوب را می خورند و هم پیاز را. یعنی جمهوری را داریم و به آن عملاً گردن گذاشته ایم ولی از آن بتمامه استفاده نمی کنیم. از طرفی موقعی که نتیجه انتخاباتی به دلخواه ما نمی شود بالاخره آن را به رسمیت می شناسیم. کدام انتخابات بوده که نتیجه اش مخالف نظر حزب الهی‌ها بوده باشد و آنها خواستار ابطال آن انتخابات شوند؟ در تاریخ سی و چند ساله انقلاب حتی یک نمونه هم سراغ نداریم. در طول این سی انتخابات سراسری، شما همیشه به ساز و کارهای جمهوری نظام گردن گذاشته اید (اگرچه به شدت با فرد یا نگاهی که رأی آورده، مخالف باشید). یعنی از این مخالفت ضمنی با مبانی جمهوری‌تبی در عمل هیچ استفاده‌ای نکرده‌اید. از آن طرف هم موجب شده هنگامی که امواج و افواج عظیم مردمی به شما رأی داده اند، نتوانید از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این اقبال عام به درستی استفاده کنید. آن موقع که دوم خرداد۱۳۰۰ها ۲۰ میلیون رأی آوردند ما در دانشگاه در حال اثبات ولایت فقیه بودیم، موقعی هم که ما ۲۴ میلیون رأی آوردیم، باز همچنان در حال اثبات ولایت فقیه بودیم! گویا هیچ اتفاقی نیفتاده است.

پس یک دلیل دیگر هم بزرگ کردن تهدیدهای احتمالی موجود در ساز و کارهای جمهوری است. در حالی که اگر درست نگاه کنیم خود این‌ها هم می تواند فرصتی برای بالابردن انگیزه‌های ما و جلوگیری از رخوت و رکود و تنبلی در ما باشد.

❁ جنگ روانی دروغین «روشنفکران همیشه اقلیت» در دفاع از اکثریت!

علت سوم کم کاری ما در تبیین مبانی جمهوری، گرفتار شدن در دام غرب زده‌ها و روشنفکرهاست. بر خلاف دو علت اول که عمدتاً توسط خودی‌ها یا چهره‌های ظاهرالصلاح اسلامی ترویج می شود، در این یکی، روشنفکرها و لیبرال‌ها نقش اصلی را ایفا می کنند. بی دقتی ما موجب شده که دور بخوریم. وقتی شما به تاریخ صد سال اخیر ایران نگاه می کنید، جریان‌های غیراسلام‌گرا همیشه در اقلیت مطلق بوده اند. جریان‌های غرب زده هیچ وقت نتوانستند به ساز و کارهای جمهوری در این

کشور تن بدهند. از خود مشروطه بگیرد تا الان. با اینکه در مشروطه، انگلیسی‌ها خیلی دخالت کردند اما دیدند فایده ندارد و اگر ساز و کارهای جمهوری‌تی بخواهد تثبیت شود در نهایت انتخاب توده مردم، آنها و مهره‌هایشان نخواهند بود.

مشروطه در کمتر از ۱۵ سال تبدیل به دیکتاتوری رضا خانی شد، یعنی هم روشنفکری داخلی و هم قدرت مداران خارجی، با استبداد راحت تر بودند. کافی است مراجعه کنید به حرف‌های آقایان روشنفکر آن موقع در مدح رضاخان. تا می‌رسیم به دهه بیست، در دهه ۱۳۲۰ تا یک مقدار آزادی نیم بند پیدا شد و مردم انتخاب کردند، انتخاب‌های مردم سمت و سویی پیدا کرد که با منافع غربی‌ها مخالف بود. دوباره در سال ۳۲ کودتا شد. هر جا که حضور جمهور مردم بوده، روشنفکرها به مردم خیانت کردند. جلال آل احمد کتابی نوشته به نام «در خدمت و خیانت روشنفکران» که در مقدمه اش می‌گوید: من بهتم زد از این سکوت و بایکوت روشنفکری در ماجرای ۱۵ خرداد ۴۲ که دستانشان را با خون مردم شستند! تا می‌رسیم به همین انتخابات اخیر در سال ۸۸ که دیگر اوج رسوایی جریانات روشنفکری و لائیک و لیبرال در توهین به اکثریت و تنفر از رأی مردم و کمک خواستن از قدرت‌های خارجی برای مهاد جمهوری‌ت به نفع اقلیت بود.

در خود انقلاب اسلامی، اینها خیلی سر و صدا داشتند، اما امام بلافاصله گفت: باید ساز و کارهای جمهوری‌تی باشد، اگر این ساز و کارها نباشد اینها می‌توانند کاه را کوه و کوه را کاه کنند. جالب است جریاناتی مثل منافقین که در نگاه اول فکر می‌شد چه نفوذی دارند، وقتی انتخابات برگزار شد رأی نیاورند. مجاهدین خلق نیمی از فضای رسانه ای و تبلیغاتی کشور را در اختیار داشت و مسعود رجوی در تهران اصلاً رأی نیاورد. این یعنی ما اگر از اکثریت و از ساز و کارهای جمهوری‌تی در یک نگاه بلند مدت دفاع کنیم، قطعاً این مطابق نظر غرب زده‌ها نخواهد بود. نمونه‌های متعدد آن در کشورهای مختلف آشکار شده است. در همین اتفاقات اخیر و در تونس، مصر و کشورهای اسلامی دیگر، یک سری جریان‌های غرب زده فکر می‌کردند با چهار تا مانور تبلیغاتی رأی بیاورند، اما اسلام گراها رأی آوردند.

پس ترس از جمهوری‌ت را غرب و غرب زده‌ها در دل مسلمان‌ها می‌کارند، برای اینکه به آنها اجازه ندهند در این عرصه به صورت فعال وارد شوند و از آن برای پیشبرد اهداف دینی خود به طور کامل استفاده کنند.

بخش دوم

تحلیل تاریخی، سیاسی، تربیتی مزیت‌های جمهوریت

چرا امام «جمهوری اسلامی» را تبلیغ کرد و قانون اساسی چنین ساختاری را برای نظام اسلامی تثبیت کرد؟ مطمئناً با فضای اول انقلاب، ساختارهای متفاوتی را می‌توانستیم برای نظام اسلامی پیش بینی کنیم، اما امام چرا «جمهوری» را انتخاب کرد؟ بعضی‌ها اعتقاد دارند که امام جمهوری را شرّ لازم میدانست و مجبور به پذیرش جمهوری شد. اما وقتی به بیان امام مراجعه می‌کنیم چنین دریافتی حاصل نمی‌شود. امام خیلی روی جمهوریت تأکید داشت و کوچکترین کلامی از امام که دلالت بر چنین معنایی کند وجود ندارد. ولی در رد این معنا جملات زیادی از امام را می‌شود شاهد مثال آورد. به نظر می‌رسد لاقلاً از سه جهت می‌توان دلایل ترجیح جمهوریت برای ساختار نظام دینی ایران را توضیح داد: تاریخی، سیاسی و تربیتی.

🔗 تجربه تاریخی تأسیس نظام‌های دینی و انقلابی در جهان معاصر

اگر به تحولات اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف در طول ۱۰۰ الی ۱۵۰ سال گذشته نگاهی بیاندازیم، می‌بینیم در کشورهای اسلامی کم نبوده اند نهضت‌های دینی که مبتنی بر رهبری دینی به پیروزی رسیدند. متأسفانه نگاه تاریخی ما ضعیف است. در طی دو دهه گذشته غلبه بحث‌های صرفاً فلسفی در تبیین یا دفاع از حکومت دینی باعث لاغر شدن رویکرد تاریخی در فهم و تبیین جمهوری اسلامی شده است.

در قرن نوزده میلادی و در سال ۱۸۵۹ در سودان «نهضت متمهدین» به رهبری مهدی سودانی، دماری از انگلیسی‌ها درمی‌آورد و چنان آنها را به فلاکت می‌نشانده که تعجب آور است. نیروهایی

مخلص، فداکار و متدین به رهبری مهدی سودانی وارد صحنه می‌شوند. بعضی‌ها گفتند او خودش را به عنوان زمینه ساز نهضت حضرت مهدی (عج) معرفی کرد و بعضی گفته اند که خودش را مهدی موعود معرفی کرد. شعارها کاملاً دینی بود، در یک روز چند هزار انگلیسی را می‌کشند و حکومت دینی تأسیس می‌کنند ولی بعد از گذشت چند سال انگلیسی‌ها دوباره برمی‌گردند. در لیبی یک نهضت کاملاً دینی به رهبری سنوسی‌ها شکل می‌گیرد و به تأسیس حکومت دینی به رهبری یک عالم دینی هم می‌انجامد اما فرجام خوشی پیدا نمی‌کند و از ائتلاف با غربی‌ها سر در می‌آورد. در مصر، کودتایی می‌شود که اسم آن را انقلاب گذاشتند. نجیب و بعد ناصر، زمام امور را دست می‌گیرند. ناصر، علمدار مبارزه با اسرائیل می‌شود و بسیار هم محبوب است. ناصر می‌میرد و نفر بعدی انور سادات است، درست ۱۸۰ درجه برعکس ناصر. او کسی است که با اسرائیلی‌ها ائتلاف می‌کند، در حالی که مردم همان مردم اند اما حق قانونی برای مشارکت ندارند!

امام این تجربیات تاریخی را مد نظر داشت و در تأسیس جمهوری اسلامی صرفاً نگاه فلسفی و نظری نداشت و بی‌اعتنایی به تجربیات تاریخی امت اسلامی و غرق شدن در مباحث انتزاعی را افتخار نمی‌دانست. جالب است بدانید که امام پس از زندانی شدن در ۱۵ خرداد ۴۲ حق داشتن کتاب در سلول را نداشت. بعد از مدتی که به ایشان اجازه مطالعه می‌دهند، ایشان دو کتاب را پیغام می‌دهد که برایش بفرستند. یکی «مستدرک الوسایل» است و دومی «تاریخ مشروطه» کسروی که امام بعدها نیز از این کتاب ذکری می‌کند. امام با آسیب شناسی نهضت‌های دینی و نوع رهبری دینی قیام‌های قبلی به اینجا رسید که برای حفظ و استمرار پیروزی‌ها باید یک رابطه دو طرفه، مستمر و رسمی بین نظام دینی و حضور مردم تعریف شود. یکی از چیزهایی که مشاهده می‌شود این است که ما فکر می‌کنیم رابطه «ولایت فقیه» و «جمهوری» رابطه یک طرفه است؛ صرفاً از ثمرات ولایت فقیه حرف می‌زنیم. در حالی که ولایت فقیه و جمهوریت خدمات متقابلی با هم دارند. ولایت فقیه در تثبیت خود مدیون جمهوریت نظام است. در واقع خدمتی که جمهوریت و رویکرد حکیمانه امام در انتخاب دقیق یک چنین نظامی برای ساختار جمهوری اسلامی انجام داد، به تثبیت رهبری دینی در جامعه انجامیده است. امام با آن نگاه تاریخی اش به اینجا رسیده بود که اگر انقلاب‌ها بخواهند ادامه پیدا کنند، لازمه اش حضور واقعی مردم در صحنه و ارتباط تنگاتنگ و همیشگی آنها با رهبری دینی در اداره نظام است.

برنامه نداشتن برای حفظ حضور منظم و قانونی مردم در صحنه، و واگذاری تمام مسئولیت و اختیارات حکومت به رهبری، و اتکای صرف به محبوبیت و مشروعیت دینی یا انقلابی او، فرجام‌های تلخی را برای بعضی از قیام‌های اسلامی معاصر رقم زده بود. باید مشارکت واقعی مردم در انجام تکلیف «امر به معروف و نهی از منکر» و دخالت در سرنوشت جامعه اسلامی نهادینه و تثبیت می‌شد و تضمین‌های قانونی لازم را پیدا می‌کرد تا با بالا گرفتن رقابت‌های نخبگانی خواص برای امتیازگیری از رهبری؛ ظرفیت‌های دیگری برای

مقابله با زیاده خواهی های خاص و انحرافات و ترفندهایشان در اختیار رهبری باشد، وگرنه خواص اهل حق در همین انقلاب هم نشان دادند که برای منحرف کردن نظام و تغییر ماهیتش و تنها گذاشتن و زیر فشار قرار دادن رهبری استعداد و آمادگی بسیار شگرفی دارند. از همان روزهای اول نهضت، امام تجربه عمیقی نسبت به رفتارهای توده و نخبگان پیدا کرد. امام می دید بسیاری نخبگان عالم و فاضلی که باید علی القاعده حرف و آرمان امام را بهتر از دیگران می فهمیدند چگونه او را تنها گذاشتند و حتی به مقابله و مانع تراشی در راه نهضت او پرداختند و به قول شهید آیت الله سعیدی آن جماعت نخبگانی همه بلا استثناء (!) او را تنها گذاشتند و در همان حال توده هایی که شاید گاهی با نظر استخفاف به آنها نگاه می شد مردانه تا پای جان به میدان آمدند و از کارگران فصلی آذربایجانی در پیشوای ورامین تا طیب حاج رضایی در میدان بار تهران، خود را فدای امام کردند.

امام زخم خنجر نخبگان و طعم شیرین خلوص و وفاداری توده ها و جمهور مردم را در عمق جان خود داشت و جمهوریت را تثبیت کرد تا پاسخی درخور به وفاداری اثبات شده این ملت که آنها را بهتر از امت اسلامی در دوره پیامبر و امیرالمؤمنین می دانست داده باشد. بنابراین یک زاویه دید نسبتاً مهجور به مسأله جمهوریت، دیدن تباین و گاه تقابلس با فضاهای نخبگانی سیاسی، فکری، رسانه ای و... است.

ماجرای فتنه ۸۸ چشم ما را به رذائل عمیق بسیاری از جریان های نخبگانی باز کرد و آمادگی شان برای تحقیر توده ها و زیر پا گذاشتن بدیهی ترین قواعد اخلاقی، منطقی و قانونی، و کمین کردن شان برای خوردن حق و رأی جمهور مردم با کمک قدرت های خارجی را علی رغم همه ادعاهای گزاف شان آشکار کرد، و اگر قاعده نظام بر جمهوریت نبود، ولی فقیه که با یک لشکرکشی و همگرایی نخبگانی در خدمت بیگانه - که از قم تا تل آویو نیرو داشت - رو به رو شده بود، چه بسا تنها و بی تکیه گاه می ماند.

🔗 مزایای سیاسی جمهوریت

جدای از نگاه تاریخی به تجربه موفق جمهوری اسلامی در حفظ انقلاب اسلامی و مقایسه اش با تجربیات جهان اسلام و تاریخ معاصر ایران، یکی از مزایای ساختار جمهوری این است که امکان جبران اشتباهات را به شما می دهد. شما وقتی رأی می دهید محدود به یک دوره مشخصی است. اولاً، و ثانیاً ذیل یک سری ضوابطی و ثوابتی است. یکی از اشتباهاتی که در تبیین جمهوریت می کنیم این است که فکر می کنیم جمهوریت صرفاً عرصه ای ایجاد تغییر است، درحالی که هر رأی که در جمهوریت داده می شود، در واقع دو رأی است. یعنی هر رأی یک پیوست دارد، از یک طرف رأیی است به ثوابت آن نظام و از طرف دیگر رأیی است برای ایجاد تغییراتی در دل آن نظام و تعیین متغیرها. در این ساختار که اگر درست پاسداری شود برکات آن آشکار می شود، پیوست هر رأی شما قانون اساسی جمهوری

اسلامی است. یعنی هر رأیی که در صندوق می‌اندازید، مثل این است که یک بار دیگر رأی به قانون اساسی را در صندوق انداخته‌اید. یعنی آقای رئیس جمهور، آقای شورای شهر، آقای نماینده مجلس ما به شما برای یک دوره مشخص ذیل این نظام مشخص رأی می‌دهیم، یعنی رأی به ثوابت نظام در عین تعیین متغیرهای نظام.

مهم این است که شما اجازه ندهید این ساختار فرو بریزد و کسی بتواند از ساختار جمهوریت بالا برود و بعد نردبان را ببندازد. این جریان باید دائمی باشد. به قول اقتصاددان‌ها در long run در افق بلند مدت منافع آن بر هزینه‌هایش می‌چربد. آقای بنی صدر با ۱۱ میلیون از ۱۴ میلیون رأی، رئیس جمهور می‌شود، بسیار محبوبیت دارد. امکان یک تجربه فراهم می‌شود. در عرض یک سال و نیم همان ساز و کارهای جمهوری‌تی از طریق مجلس فعال می‌شود و رأی به عدم کفایت او داده می‌شود. ما این تجربیات را از سر گذرانده ایم، یا مثلاً مجلس ششم را گذرانده ایم. اگر شما مبانی جمهوری اسلامی را محکم بچسبید و از رأی مردم دفاع کنید، در بلند مدت این به نفع شما است. ملت به یکی رأی می‌دهند و به او دل می‌بندند، فکر می‌کنند چه خواهد شد. این فرآیند در بلند مدت توده‌ها را کم کم به یک پختگی می‌رساند که برای سامان یافتن امور جامعه صرف یک انتخاب، کفایت نمی‌کند. ممکن است فرد منتخب حتی تا روز آخری که از مسئولیت خداحافظی می‌کند محبوب شما باشد، اما امور اجتماعی آن طور که شما می‌خواستید سامان پیدا نکرده باشد. این فرآیند این پیام را به تو منتقل می‌کند که برای رسیدن به یک جامعه ایده آل و برای رفع مشکلات کشور، صرفاً یک یا دو انتخاب کفایت نمی‌کند، همه باید تلاش کنند که به آن جامعه ایده آل نزدیک تر شویم. بنابراین نگاه واقع بینانه تری در مردم شکل می‌گیرد.

«جمهوریت» حق شریک شدن در تصمیمات است که اتفاقاً بار «ولی» را سبک می‌کند. چون «ولی» قرار نیست حکومت را فقط با طاقت خودش پیش ببرد. جمهوریت یعنی مردم خودتان تصمیم بگیرید و خودتان هم پای تعاتش بایستید. «ولی» هم اصل «انتخاب» را محافظت می‌کند که بتوانید اگر اشتباه کردید جبران کنید و اگر درست انتخاب کردید راه را ادامه دهید.

یک نکته بسیار مهم دیگر که کمتر به آن توجه می‌شود و باید به عنوان یک سؤال خیلی جدی برای ما مطرح باشد، این است که: چرا آن اعتماد و خوش بینی که در امام و آقا نسبت به مردم موج می‌زند، در خیلی از ماها که خودمان را حزب الهی می‌دانیم نیست؟! شما در کلمات و بیانات امام و رهبری جستجو کنید، هر موقع از مردم حرف می‌زنند خوش بینی بسیار عمیقی در آنها وجود دارد. این خوش بینی در بسیاری از مجامع اصول‌گرا وجود ندارد، چرا؟! این سوء ظنی که به ساز و کارهای جمهوری‌تی داریم، موجب می‌شود اولاً نتوانیم از ظرفیت‌های آن برای آرمان‌های خودمان درست استفاده کنیم و ثانیاً زمینه را برای جریان‌ات سیاسی کار و باند باز فراهم می‌کند تا با همین نوع فضا سازی‌ها، نگاه اصیل و فرصت محور به جمهوریت را کنار بزنند و با یک نگاه تهدید محور به جمهوری و سوءظن نسبت به انتخابات و مردم، آب را گل آلود کرده و ماهی خودشان را صید کنند.

🔗 قابلیت های ارزشی جمهوریت

باید توجه داشته باشیم، دینی که انقلاب اسلامی عرضه می کند تفاوت های جدی با قرائت های «روشنفکری» و «طالبانی» دارد. از جمله مهم ترین ویژگی های اسلام انقلابی، مردمی بودن آن است. از نگاه امام خمینی، اسلام یک دین عمیقاً مردمی، فراگیر و همه شمول است و نه اشرافی، نخبگانی و محصور شده در زاویه های معنوی یا متکی به قدرت های خودسر و بی انعطاف. اسلام امام به تبعیت از اهل بیت، «رضی العمه» (خشنودی مردم) را فدای «سخط الخاصه» (خشم خواص) نمی کند و اجازه طبقاتی شدن جامعه را نمی دهد. معرفت دینی حقیقی و نمایندگان واقعی آن در این مکتب، همیشه علمدار مبارزه با «كَظْفُ ظَالِمٍ وَ لَا سَغْبَ مَظْلُومٍ» (شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان) و پاسدار توازن اجتماعی اند. این نگاه مساوی به حقوق آحاد مسلمین ریشه در متن مکتب دارد. اصلاً در حکومت اسلامی مردم هدف و اصل اند و «ولی» باید خودش را فدای هدایت و رشد و اعتلای توحیدی آحاد مردم کند، چرا که هدف دین رشد آحاد مردم است. تمام ائمه ما خودشان را فدای هدایت مردم کردند. جدای از اینها جمهوریت قابلیت های خوبی دارد برای اینکه بعضی از مفاهیم عمیق ما در این ظرف ارائه شود. اگر ما ولایی هستیم و می خواهیم برای ولایت کار کنیم، راهش این نیست که جمهوریت را تضعیف کنیم. راهش این نیست که صرفاً و صرفاً از مبانی مشروعیت ولایت فقیه صحبت کنیم، راهش این است که ما همزمان و توأمان «ولایت فقیه» و «جمهوریت» را در نظر و عمل خودمان تبیین کنیم. نظام ولایت فقیه یعنی چه؟ ولی فقیه کیست و چگونه در رأس جامعه قرار می گیرد؟ نظام ولایت فقیه یعنی انتخاب اصلح، یعنی کسی باید اداره جامعه را بر عهده بگیرد که صلاحیت های حقیقی داشته باشد. جایگاه های حقوقی باید در اختیار صاحبان صلاحیت های حقیقی قرار بگیرد، شرایط برای رهبری مشخص است. یک عده کارشناس باید دقت کنند که او را بیابند، باید ببینند اصلح کیست و او را در آن جایگاه حقوقی قرار بدهند. ساز و کار انتخاباتی که میخواهد ذیل ولایت باشد هم باید به این اصل وفادار باشد. نمی شود بگوییم رأس یک نظام باید بر اساس صلاحیت های حقیقی انتخاب شود اما باقی مراتب آن بر اساس مصلحت ها و صلاحیت های باندی و جناحی مشخص شود! این گزاره دوگانگی در نظام ایجاد می کند. بعد می بینید یک عده تحت عنوان طرفداری از ولایت دقیقاً خلاف مبانی ولایی نظام علم برمی دارند و هر کس مخالف آنها باشد با او مقابله می کنند! یعنی ۱۸۰ درجه مقابل مبانی ولایت می ایستند و منتقدین خودشان را هم ضد ولایت فقیه معرفی می کنند!

ولایت یعنی رعایت اولویت ها. «ولی» کسی است که اولاً خودش بر اساس اولویت شناخته می شود (چون بالاترین رتبه را در کسب صلاحیت های حقیقی احراز می کند) و ثانیاً اولویت ها را مشخص می کند و تلاش می کند جامعه اولویت هایش را پیدا کند. اگر ما می خواهیم کار ولایی انجام بدهیم باید تلاش کنیم ساز و کارهای جمهوریتی نظام به این سمت بروند و انتخابات ها بر اساس صلاحیت های حقیقی باشد.

مگر ما رهبری را بر اساس چانه زنی فلان گروه سیاسی با دیگری تعیین می‌کنیم؟! همان ساز و کار و میانی باید در فضای جمهوریت نظام پیاده شود. متأسفانه نگاه تهدید محور به انتخابات و به جمهوریت، به مرور تبدیل به یک جریان برانداز می‌شود. حضرت علی(ع) جریان‌های برانداز نظام دینی را در حدیثی تبیین می‌کند، نظام دینی این گونه براندازی می‌شود: «يَسْتَدَلُّ عَلَيَّ ادْبَارِ الدَّوْلِ بَارِعَ تَضْيِيعِ الْاَصُولِ وَ التَّمَسُّكِ بِالْفُرُوعِ وَ تَقْدِيمِ الْاَرَاذِلِ وَ تَاخِيرِ الْاَفْضَلِ». یعنی جا به جا کردن اصل و فرع و پیش انداختن آدمهای بی صلاحیت و منزوی کردن آدم‌های با صلاحیت تر مقدمه برافتادن نظام‌هاست. آن موقع یک عده با این رویکرد می‌گویند: به ما رأی بدهید که براندازها رأی نیاورند! شما خودتان براندازید، شما خودتان تلاش می‌کنید اصلح رأی نیاورد و معیار در انتخابات مصلحت قبایل سیاسی باشد، نه مصلحت مردم. مصلحت مردم در صلاحیت و اصلحیت حقیقی داشتن منتخبان است. شما مفهوم ولایت (به معنای رعایت اولویت‌ها) را خدشه دار می‌کنید. حدیث داریم: ملعون است کسی که ببیند فردی بهتر از او وجود دارد و جایگاهی را اشغال کند. این چه صالحی است که اصلحی را حذف می‌کند تا خودش بالا برود؟! این آدم صالح است یا فاسد یا مفسد؟!

نکته مهم دیگر در نزدیک کردن مفهوم «ولایت» و «جمهوری» توجه به معنای دیگر ولایت است. ولایت به معنای دوستی، به معنای ارتباط بین آحاد جامعه ایمانی و دینی است. ولایت به معنای برادری افراد جامعه است. شما وقتی وارد ساز و کار جمهوریتی می‌شوید می‌توانید این گونه نگاه کنید که: برادر من! من در انتخابات شرکت می‌کنم، ممکن است کسی که من می‌خواهم انتخاب نشود، اما من به رأی تو احترام می‌گذارم و متقابلاً تو هم همین طور باش. شما در ابتدای ورود به ساز و کارهای جمهوریتی در واقع احترام به رأی برادر هموطنت را اعلام می‌کنی و نتیجه را پیشاپیش می‌پذیری. هر کسی وارد انتخابات می‌شود باید با یک خوش بینی نسبت به نتیجه انتخابات وارد شود، اگر این رویکرد وجود داشته باشد، انتخابات را خیلی متفاوت می‌کند. انتخابات عرصه ای برای مهربان تر شدن مردم نسبت به هم می‌شود. انتخابات می‌تواند ولایت افقی را در بین آحاد مردم گسترش دهد. آقا بارها فرمودند: ولایت به معنای عام، یک شبکه عظیم اجتماعی و معنوی بین آحاد مردم شکل می‌دهد و در یک هرمی به ولایت می‌رسد. یعنی ولایت یک فضای فرهنگی هم دارد. صرفاً یک مفهوم سیاسی خشک مکانیکی نیست.

برخی می‌گویند جمهوریت شکلی است که با خودش یک سری پیامدها را به همراه دارد، این درست است. باید آگاه بود و با بصیرت با آن مواجه شد. شما در ورود به ساز و کارهای نظام، بسته به اینکه با چه رویکردی وارد شوید، می‌توانید آن را مصادره کنید و از قابلیت‌های آن برای فضای مطلوب خود استفاده کنید. اما اگر از یک سال قبل از انتخابات بگویید: یک گلوله بهمین

دارد به سمت امت حزب الله نزدیک می‌شود، ما باید حزب الله را نجات دهیم، این نگرش بیمار باعث می‌شود که صد مورد بیمارگونه دیگر هم کنارش بیاید. رقابت‌های عجیب و غریب، ترورهای شخصیتی عجیب، تبدیل کردن انتخابات به عرصه ای برای تروریسم سیاسی و حذف رقبای اصلح و مواردی از این قبیل. چاره اش در این است که خوش بینی نسبت به جمهوریت و برکات جمهوریت، رواج پیدا کند. از این منظر نظام جمهوری یک نظام تربیتی است و آدم‌ها باید در آن حق داشته باشند تجربه و اشتباه کنند و از تجربیات خود درس بگیرند. تا آحاد افراد رشد کنند و به تبع آن جامعه هم رشد کند.

(سوال) خوب است این مباحث در حوزه علوم انسانی دنبال شود، به عنوان پروژه ای در جنبش نرم افزاری. لطفاً بگویید نوع نگاه و برخورد معصومین (ع) نسبت به جمهوریت چگونه بوده است؟ یعنی جایگاه جمهوریت در دوران معصومین (ع) کجا بوده است؟

این یکی از آن مغالطاتی است که در حال حاضر در تضعیف جمهوریت به کار گرفته می‌شود. امام در وصیت نامه اش می‌گوید: ملت ایران از ملت‌های صدر اسلام جلوتر است. بالاخره بعد از ۱۴۰۰ سال یک جامعه این چنینی شکل گرفته، حالا ما مدام بر سرش بزنیم؟ «نه آقا این مردم فاسدند، دموکراسی چیست؟ در اسلام کی انتخابات برگزار شده؟ مردم پرو می‌شوند و...»، این نگاه سوء ظن است. در حالی که این ملت، ملتی است که ده‌ها هزار از فرزندان خود را به نایب امام زمان تقدیم کردند. این ملت، ملتی است که ۹ دی در صحنه می‌آید، در ۲۲ بهمن در صحنه می‌آید، در انتخابات با درصدهای بالا شرکت می‌کنند. شکلی که نایب امام زمان برای ساختار نظام پیشنهاد داده و مردم هم پذیرفته اند جمهوری است. او دست یاری به سمت من دراز کرده و می‌گوید: «اعینونی»؛ می‌گوید در صحنه‌ی مشارکت حضور داشته باش. بیا در چارچوب نظام اسلامی رأی بده و در تعیین متغیرها، فعال حضور داشته باش. حضور و نصرت را اثبات کن؛ وگرنه «لولا حضور الحاضر و قیام الحجج بوجود الناصر...». نایب امام زمان؛ جمهوری را شکل نظام دینی ما قرار داد. من مقلد هستم و فقیه من، جواب این را داده است. او مسلط به متون و منابع است. او می‌گوید: امروز پای جمهوری اسلامی بایستید. مرجع من کسی است که علی رغم تمام مسائل پای جمهوریت نظام می‌ایستد، چه در دوم خرداد ۷۶ و چه در ۲۲ خرداد ۸۸، چه در انتخاب بنی صدر چه در انتخاب رجایی. این مرجع من است، نایب امام زمان من این است، ما به این قرائت معتقدیم.

با تشکر از مجمع مطالبه مردمی مشهد مقدس



وقتی دقیق نگاه می‌کنیم، حزب الهی‌ها را در مواجهه با جمهوریت از ترس مرگ، وادار به خودکشی می‌کنند. یعنی اینکه هم پول می‌دهند، هم چوب را می‌خورند و هم پیاز را. یعنی جمهوری را داریم و به آن عملاً گردن گذاشته‌ایم و پی از آن بتمامه استفاده نمی‌کنیم. در طول این سی انتخابات سراسری، شما همیشه به ساز و کارهای جمهوری‌تی نظام گردن گذاشته‌اید (اگرچه به شدت با فرد یا نگاهی که رأی آورده، مخالف باشید). یعنی از این مخالفت ضمنی با مبانی جمهوری‌تی در عمل هیچ استفاده‌ای نکرده‌اید. از آن طرف هم موجب شده‌اند که امواج و افواج عظیم مردمی به شما رأی داده‌اند، نتوانید از ظرفیت‌ها و قابلیت‌های این اقبال عام به درستی استفاده کنید...



بعد از مطالعه، این جزوه را به دست دیگر هم جبهه‌ای‌ها برسانید!
همچنین می‌توانید فایل جزوات را از پایگاه اینترنتی قرارگاه شهید باقری
(q-b.ir) دریافت و به نام تشکل خودتان چاپ کنید.

